

دوشنبه • ۶ بهمن ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۲۱ • ۹

شرق روزنامه هنر

«یانی» در گفـت وگـو با «شرق»: دیدارِ ایرانم آرزوست	صفحه ۱۰
«حمیدرضا دیپازر»، آهنگساز: سرباز موسیقی هشتم	صفحه ۱۰
موزه «کوریه» میزبان «اوگوست بوبووی» شد	صفحه ۱۲

مدیوم	
حلقه مفقوده شبکه نمایش خانگی چیست؟	
فقدان خلاقیت	
آرش خوشخو	
منتقد	

بحث شبکه نمایش خانگی در ایران به موضوع جالبی تبدیل شده است، اینکه خارج از سیستم نظارتی تلویزیون سریالی تولید می‌شود و می‌تواند در دسترس مخاطبان قرار گیرد و اتفاقا مدیومی است که جای بسیاری برای بروز خلاقیت‌ها دارد. اما متاسفانه مشکلی بزرگ در این راه وجود دارد و آن اینکه سرمایه‌گذاران این مدیوم، برآورد درستی نسبت به هزینه‌ها ندارند و به‌نظر من ساخت سریال در شبکه نمایش خانگی نیازمند کنترل پروژه است؛ نظارتی که بتواند بازیگران را در کنار هم جمع کند و حداقل در زمان ساخت سریال، بازیگران در کار دیگری حاضر نشوند و به‌نوعی همه‌چیز کنترل‌شده جلو برود و شاید نکته مهم‌تر، این است که مجموعه به‌طور مرتب و منظم توزیع شود. شاید به جرات می‌توان گفت به‌جز مجموعه«قهوه تلخ» و «شاه‌گوش» سایر مجموعه‌های شبکه نمایش خانگی خیلی سرانجام روشنی نداشتند و به‌طور مداوم با مشکلاتی در پخش مواجه بودند. طبعاً یکی از اتفاقات خوشحال‌کننده شبکه نمایش خانگی این است که این‌روزها بسیاری از کارگردان‌های خوب سینما وتلویزیون کشورمان را جذب کرده است و باید خوشحال بود کارگردانی مثل کمال تبریزی که به‌تازگی سریال «ابله» به کارگردانی او راهی شبکه نمایش خانگی شده، به جای اینکه فیلمش را در ۹۰ دقیقه روایت کند، این فرصت را دارد که در زمان بیشتر و در قالب یک مجموعه ارایه دهد. اما قطعاً کار در شبکه نمایش خانگی نیازمند جذابیت‌هایی برای مخاطب است که مهم‌ترین آن جذابیت در متن و فیلمنامه است. در این مدیوم ما با مشتری‌ای روبه‌رو هستیم که برای تفریح‌اش سریال را خریداری می‌کند



و باید در کمال رضایت بابت این سرگرمی هزینه‌ای صرف کند و قطعاً این موضوع باعث می‌شود تا بیشتر به فکر جذابیت‌های محصولات آن باشیم. قطعاً نیروهای خلاقى هستند که بتوانند به روند جذابیت شبکه نمایش خانگی کمک کنند، اما می‌توان اینطور نتیجه‌گیری کرد که شاید خیلی با الزامات آن آشنایی ندارند و اساساً شاید هنوز بی‌چ‌وخم‌های این عرصه برای کسانی که در آن قدم می‌گذارند، مشخص نیست. «قهوه تلخ» را می‌توان از سایر مجموعه‌های در شبکه نمایش خانگی توزیع شده‌اند، اثری متفاوت‌تر و موفق‌تر ی دانست. این اثر با بهره‌گیری از داستانی جذاب و بازیگران خوب و البته وجود تهیه‌کننده‌ای که به‌قول‌معروف برای سریال سنگ‌تمام گذاشت، توانست نظر طیف وسیعی از مخاطبان را جلب کند و سریالی بود که به معنی واقعی می‌توانست مخاطبش را سرگرم کند.

تجربه‌های موفق با ناکام پیشین در این عرصه می‌تواند چراغ راهی برای کسانی که در آینده به آن قدم می‌گذارند، باشد. قطعاً حلقه مفقوده در تجربه‌های شبکه نمایش خانگی عامل جذابیت اثر است که تصور می‌کنم هنوز برای فعالان این عرصه درست تعریف نشده است. هرچند باید روی پدیده شبکه نمایش خانگی مطالعه و تحقیق بسیاری کرد؛ چرا که در هیچ کجای دنیا شما با چنین اتفاقی مواجه نیستید و می‌توان گفت شبکه نمایش خانگی پدیده‌ای مختص کشور ماست و آزمون و خطاهایی که طی سال‌های گذشته در این عرصه انجام شده است، می‌تواند راه را برای تولیدات آتی باز کند و قطعاً می‌توان در آینده‌ای نزدیک شاهد آثاری با جذابیتی درخرو این مدیوم بود. اما از سویی دیگر نیز می‌توان به پدیده شبکه نمایش خانگی نگاه کرد و آن این است که ما در دورانی زندگی می‌کنیم که تمام تلاشمان را برای حرکت بخش خصوصی به کار گرفته‌ایم و خواهان نظارت کمتر بر آثار تولیدشده هستیم و قطعاً در چنین فضایی زمینه‌های بروز خلاقیت بیشتر خواهد شد و در عرصه‌ای که خلاقیت می‌تواند بدون حدود کلافه‌کننده نظارت ظهور بیشتری پیدا کند را باید به‌فالنیک گرفت و این فرصت فوق‌العاده‌ای است که می‌توان از آن استفاده کرد. علاوه‌بر اینکه در این عرصه شاهد مواجهه رودررو مخاطب و هنرمند هم هستیم و اینجا مخاطب است که می‌تواند میزان رضایتش از اثر را خیلی مستقیم با تولیدکنندگان مجموعه به اشتراک بگذارد. در حال حاضر در شبکه نمایش خانگی با ممیزی کمتر و نبود رانت مواجه هستیم و این‌میان تنها موضوع جذابیت است که می‌تواند رونق این مدیوم را روزبه‌روز بیشتر کند. شبکه نمایش خانگی چالش عجیب و بزرگی است و تنها نگرانی‌ای که وجود دارد، بابت ناکامی‌های زنجیره‌ای است که در چندین مجموعه به‌وجود آمده و اگر این اتفاق ادامه‌دار شود می‌تواند مخاطب را از این مدیوم دلزده کند. تنها می‌توان امیدوار بود که فعالان این عرصه با نگاه دقیق‌تر به نقاط ضعف این عرصه به فکر آثار بهتر و باکیفیت‌تری باشند و مخاطب نیز به‌مرور شبکه نمایش خانگی را به‌عنوان یک‌مدیوم فعال و پویا بپذیرد و با آن ارتباط خوبی برقرار کند.

شبکه

ریسک نمایش خانگی	
آنتونیا شرکا	
منتقد	

شبکه نمایش خانگی اتفاقی است که به‌تازگی در کشور ما جریان‌ساز شده و مسیری است که بسیاری از کارگردان‌ها آن را طی خواهند کرد. این اتفاق اجتناب‌ناپذیر است. طبعاً بسیاری از کارگردان‌های کشور ما نیز دوست دارند این مدیوم را تجربه کنند همچنان‌که تا به امروز بسیاری در این راه قدم گذاشته‌اند و ما هم شاهد تجربه‌های این کارگردان‌ها بوده‌ایم. هرچند که قطعاً در کشور ما میزان تأثیرگذاری مدیوم‌هایی چون سینما و تلویزیون به‌مراتب بیشتر از شبکه نمایش خانگی است و شاید سینما و تلویزیون به‌مراتب بیشتر از شبکه نمایش خانگی است و شاید مدت زمان بیشتری نیاز داریم تا این مدیوم جای خودش را میان مردم پیدا کنند و به‌قول‌معروف خودش را بیشتر معرفی کند.

طی این سال‌ها شاهد حضور کارگردان‌هایی نام‌آشنا در عرصه شبکه نمایش خانگی بوده‌ایم؛ کارگردان‌هایی که در سینما و تلویزیون برای مخاطبان نام‌های شناخته‌شده‌ای هستند و وقتی این کارگردان‌ها مدتی از سینما و تلویزیون فاصله می‌گیرند و به سمت شبکه نمایش خانگی می‌آیند زمانی به نسبت طولانی صرف ساخت اینگونه سریال‌ها خواهد شد و ما مجبور خواهیم بود غیبت این کارگردان‌های باسابقه را در سینما یا تلویزیون که به‌عادت داشتیم فیلم‌هایی از آنها ببینیم شاهد باشیم و شاید در بدبینانه‌ترین حالت ممکن کارگردانی که معمولاً آثار خوبی از او در سینما می‌دیدیم شاید به همان نسبت در مدیوم شبکه نمایش خانگی موفق ظاهر نشود. به‌هرحال باید بپذیریم که این اتفاق و ورود به شبکه نمایش خانگی یک ریسک محسوب می‌شود و از طرف دیگر قطعاً برای شبکه نمایش خانگی حضور اینگونه کارگردان‌ها یک حسن محسوب و به قول معروف باعث می‌شود محصولات این رسانه خیلی غیرحرفه‌ای برگزار نشود.

اما قطعاً که‌گاه خبرهای مختلفی درباره موفقیت یا عدم‌موفقیت برخی سریال‌ها در شبکه نمایش خانگی شنیده می‌شود که تصور می‌کنم این آزمون‌وخطا در این مدیوم بیشتر منوط به این است که قطعاً هنوز چندان رسانه شناخته‌شده‌ای در ایران نیست و زمان بیشتری برای مخاطب‌شناسی آن نیاز داریم و اینکه جایگاه آن به‌مرور توسط مخاطبانش مشخص خواهد شد. از سوی دیگر می‌توان به این موضوع از این زاویه نگاه کرد که برای کارگردان‌های ما نیز چندان حدود کلافه‌کننده نظارت ظهور بیشتری پیدا کند را باید به‌فالنیک گرفت و این فرصت فوق‌العاده‌ای است که می‌توان از آن استفاده کرد. علاوه‌بر اینکه در این عرصه شاهد مواجهه رودررو مخاطب و هنرمند هم هستیم و اینجا مخاطب است که می‌تواند میزان رضایتش از اثر را خیلی مستقیم با تولیدکنندگان مجموعه به اشتراک بگذارد. در حال حاضر در شبکه نمایش خانگی با ممیزی کمتر و نبود رانت مواجه هستیم و این‌میان تنها موضوع جذابیت است که می‌تواند رونق این مدیوم را روزبه‌روز بیشتر کند. شبکه نمایش خانگی چالش عجیب و بزرگی است و تنها نگرانی‌ای که وجود دارد، بابت ناکامی‌های زنجیره‌ای است که در چندین مجموعه به‌وجود آمده و اگر این اتفاق ادامه‌دار شود می‌تواند مخاطب را از این مدیوم دلزده کند. تنها می‌توان امیدوار بود که فعالان این عرصه با نگاه دقیق‌تر به نقاط ضعف این عرصه به فکر آثار بهتر و باکیفیت‌تری باشند و مخاطب نیز به‌مرور شبکه نمایش خانگی را به‌عنوان یک‌مدیوم فعال و پویا بپذیرد و با آن ارتباط خوبی برقرار کند.



از راست به‌را ن احمدی،بهادر مالکی،سیامک انصاری/ عکس: زهرا مصفا

حساس» کمال تبریزی ایفا کرد و برای بار دوم با این کارگردان همراه شده، چنددقیقه‌ای هم‌کلام می‌شویم. او که بیشتر حضور در تئاتر را تجربه کرده با معرفی حبیب رضایی در «طبقه حساس» ایفای نقش کرد و مدت‌ها انتظار کشید تا با نقش و کار خوبی به مدیوم تصویر پا بگذارد. شکبیا معتقد است دورشدن از تئاتر به او ضربه خواهد زد و همراه با تمرین‌ها و اجراهای تئاتر که او را به‌روز نگه می‌دارد باید در سینما یا تلویزیون حضور داشته باشد، علاوه‌بر اینکه به موفقیت «ابله» بسیار امیدوار است و با نقشش ارتباط خوبی برقرار کرده.

اما شکبیا تنها کسی نیست که با پیشینه حضور در تئاتر در این سریال ایفای نقش می‌کند. تمام بازیگران این سریال چنین ویژگی‌ای را دارند، به‌ویژه شبنم مقدمی که سال‌ها در تئاتر تجربه اندوخته است. مقدمی که شخصیت «پریری» یا «پروانه» را در این سریال ایفا می‌کند و برای نخستین‌بار حضور در شبکه نمایش خانگی را تجربه می‌کند، می‌گوید: «هیچ وقت دنیای آنقدر فانتزی را تجربه نکرده بودم و خوشحالم که مقابل دوربین کارگردانی هشتم که لحظه‌به‌لحظه بازی من را رصد می‌کند. با کارگردانی آقای تبریزی بیگانه نیستم چراکه در فیلم «همیشه پای زن در میان است» هم تجربه همکاری داشتیم.»

او که با گرمی عجیب آن هم از ناحیه بینی توجه ویژه‌ای را به خود جلب می‌کند، درباره شخصیتش در این سریال می‌گوید: «این زن شخصیت تازه به دوران‌رسیده‌ای دارد که بیش از حد به زیبایی اهمیت می‌دهد و چیزی که روی صورتش می‌بینید نتیجه عمل‌های مکرر بینی او است. باید از آقای اسکندری بابت گرم خوش تشکر کنم، من اصولاً با گرم ارتباط خوبی برقرار می‌کنم و معتقدم به شخصیت‌پردازی کمک زیادی می‌کند و امیدوارم مردم هم این شخصیت را دوست داشته باشند.»

در این ساختمان بزرگ هر اتاق مخصوص کاری است؛ اتاق گرم، اتاق کارگردانی، اتاق تولید، اتاق لباس و... هرچیز جای خودش است و کوچک‌ترین بی‌نظمی‌ای دیده نمی‌شود. شاید این آرامش هم بیشتر به این واسطه است که تولید اثر همزمان با پخش انجام نمی‌شود و قسمت‌هایی از سریال آماده پخش است و گروه با آرامش بیشتری کارشان را انجام می‌دهند. در طبقه اول این ساختمان همه‌چیز برای ضبط سکانس جدال مجید صالحی و احمد مهرانفر آماده می‌شود. امکان ندارد که مجید صالحی را با عینک و لباس گلی، کروات شل‌شده و شلوار کوتاه ببینید و خنده‌تان نکیرد. صالحی قرار است در این پلان با احمد مهرانفر درگیری کوچکی پیدا کند و البته شبنم مقدمی، عیسی یوسفی‌پور و بهنام تشکر هم در این سکانس حضور دارند.

در این فاصله از محمدرضا سکوت فیلمبردار این سریال درباره حال‌وهوای کار می‌پرسم و می‌گویم: «شبکه نمایش خانگی فرصت خوبی است و جای کار زیادی دارد و حس می‌کنم مراحل تولید کار به‌لحاظ کیفی قابل‌قبول‌تر از تلویزیون است.»

عباس رستگاریور، صدابردار این سریال نیز معتقد است حس خوب این سریال نقش زیادی برای حضورش داشته و کارکردن با کمال تبریزی همیشه شیرین و جذاب است.

ساعت بزرگی کنار در ورودی دیده می‌شود با عکس‌هایی از جوانی پدربزرگ که بهنام تشکر نقش آن را بازی می‌کند. با شمارش کمال تبریزی ضبط این سکانس آغاز می‌شود. مهرانفر با قدم‌های سریع از پذیرایی خانه عبور می‌کند، به دنبال نوشی را برای گروهش می‌گردد و شبنم مقدمی، بهنام تشکر، مجید صالحی و عیسی یوسفی‌پور هم پشت‌سر او حرکت می‌کنند. ظاهراً قرار است مهرانفر از تلفن، شمارهای پیدا کند و مجید صالحی ناراحت از این اتفاق با مهرانفر درگیر می‌شود. شبنم مقدمی صداسازی جالبی برای نقش‌اش انجام داده است و با صدایی تودماغی سعی دارد آنها را از هم جدا کند و بهنام تشکر آنها را تشویق می‌کند که بیشتر همدیگر را بزنند. مهرانفر روی مبل می‌افتد و ناگهان کلاهش از سر می‌افتد و سرش که بدون‌مو است مقابل دوربین ظاهر می‌شود. پرت‌شدن کلاه مهرانفر و دیدن او در این وضعیت بازیگران و عوامل را به خنده می‌اندازد. تبریزی اصرار دارد که این پلان چندبار تکرار شود: «بچه‌ها دقت کنید، پلان ساخته. سعی کنید کارتون رو درست انجام بدید.» و خودش برای توضیح چیزی که از این پلان می‌خواهد برای تک‌تک بازیگرانش توضیح می‌دهد. آرامش تبریزی سر گزارش مثال‌زدنی است و همین آرامش است که فضای بدون تنشش را برای گروهش به وجود آورد. در هنگام تمرین بازیگران، کاهی تبریزی پیشنهادهایی می‌دهد که اتفاق طنز ماجرا را بیشتر می‌کند و در زمان اجرا می‌بینیم پلان از آنچه در قیل بود، بهتر شده است.

بعد از مدتی زاویه دوربین تغییر می‌کند و این‌بار مهرانفر را در مانیتور در جایی می‌بینیم که با مجید صالحی درگیر شده و در حال خنده‌شدن است. این پلان نیز چندین‌بار تکرار می‌شود. شبنم مقدمی و بهنام تشکر در این پلان حضور ندارند و از مانیتور صحنه را نگاه می‌کنند و آنها اولین کسانی هستند که از بازی همکارانش خنده‌شان می‌گیرد.

پلان از نظر تبریزی بدون مشکل بود و حالا نوبت زهرا مصفا، عکاس سریال است که این لحظه خنده‌دار را ثبت کند. ساعت نزدیک شش بعدازظهر است و حقیقتاً گذر زمان در این لوکیشن حس نمی‌شود و انرژی بازیگران و خوش‌وبش‌کردن آنها تا لحظه خداحافظی ادامه دارد. ما هم باید این خانه و باغ زیبا را ترک کنیم. خانه‌ای که ظاهراً به‌زودی تبدیل به برجی چندین طبقه خواهد شد. ما آخرین نفراتی هستیم که در سفید فلزی پشت‌سرمان بسته می‌شود و دوباره همه‌چیز در سکوت فرو می‌رود.

یک‌روز با اهالی سریال «ابله»

شوخی با سینمایی خطر است

می‌کنم بعد از بازنویسی به ذائقه تماشاگر یا خریدار نزدیک‌تر شده است. دوستان این گروه بسیار حرفه‌ای و کاربلد هستند و کارکردن با کمال تبریزی همواره دوست‌داشتنی و جذاب است.»

انصاری اما برحسب تجربه، شناخت خوبی نیز به مدیوم شبکه نمایش خانگی دارد. او ادامه می‌دهد: «وقتی برای شبکه نمایش خانگی کار می‌کنید نمی‌توانید بگویید مثلاً فرمی از طنز را کار می‌کنم که طیفی از مردم جنس این نوع کمدی را می‌پسندند و عملاً نمی‌توان چارچوب تعیین کرد. از یک طرف باید به شبکه نمایش خانگی که شکل یک کار تجاری هم نگاه کرد و وجه دیگر آن کاملاً هنری است. اما باید قبول کنیم از زمانی که کار در فروشگاه‌ها عرضه می‌شود تبدیل به یک اتفاق تجاری می‌شود و تجربه من در این سال‌ها در شبکه نمایش خانگی می‌گوید مردم طرفدار کار طنز هستند.»

در فاصله استراحت گروه، به گوشه‌وکنار این خانه بزرگ سرک می‌کشیم؛ خانه دوطبقه زیبایی که دورتادور آن با درخت‌های بلند کاج محصور شده و در یک طرف آن باغچه‌ای بزرگ خودنمایی می‌کند. این حیاط به‌قدری بزرگ است که کلبه‌ای چوبی در یک سمت آن ساخته شده است که ظاهراً بخش‌هایی از سریال آنجا تصویربرداری می‌شود و در طرف دیگر آن ساختمانی آجری با پنجره‌های مشبک رنگی وجود دارد. در وسط این حیاط حوض بزرگی است و کنارش صندلی و میزی برای نشستن و استراحت‌کردن. روبه‌روی این حیاط زیبا، اتاق گرم قرار دارد که مجید اسکندری و دستیارانش روزهای شلوغی را در آن پشت‌سر می‌گذارند و رفت‌وآمد زیادی هم در آنجا اتفاق می‌افتد. وارد اتاق گرم می‌شویم، بیش از هرچیز قالب‌هایی از صورت‌های مختلف در قفسه‌های فلزی این اتاق توجهمان را جلب می‌کند و عکس‌هایی از بازیگران که بالای آینه میزهای گرم نصب شده.

طبعاً نخستین چیزی که درمورد سریال«ابله» سروصدا کرد، گرم محسن تنابنده بود. درباره گرم سنگین تنابنده از اسکندری می‌پرسم و اینکه معمولاً چندساعت صرف گرم او می‌شود. او می‌گوید: «شاید به این دلیل که محسن تنابنده نقش پیروز را بازی می‌کند و توجه‌ها را به سمت خود جلب کرده و همه از گرم او صحبت می‌کنند. اما در این سریال به همان نسبت، گرم بهنام تشکر یا شبنم مقدمی هم زمان می‌برد و البته بازیگران دیگر که در این سریال گرم‌های متفاوتی را تجربه کردند اما گرم محسن تنابنده چیزی نزدیک به سه‌ساعت زمان می‌برد.»

انصاری؛ فیلمنامه اولیه بسیار شاخص و درخشان بود. اما بحثی که من داشتم این بود که مخاطب شبکه نمایش خانگی شاید اینقدر پیچیدگی را دوست نداشته باشد. مخاطب به‌دنبال داستانی دو خنده‌دار است و اینکه لحظاتش با شادی سبزی شود. چراکه در شبکه نمایش خانگی برای دیدن سریال هزینه می‌کنند و باید به نظر آنها احترام گذاشت و این مدیوم با تلویزیون تفاوت بسیاری دارد	
--	--

مجید اسکندری و برادرش عبدالله اسکندری از جمله چهره‌پردازانی هستند که از تنابنده گرم‌هایی متفاوت به نمایش گذاشتند. مجید اسکندری در این رابطه می‌گوید: «من و برادرم به این نتیجه رسیدیم و البته شاید سایر گرمپورهای دیگر نیز به این موضوع اعتقاد داشته باشند که محسن تنابنده گرم را حرام نمی‌کند. او بازیگر توانمندی است و اصولاً شخصیت‌های متفاوتی خلق می‌کند.»

اتفاقاً چندماه پیش بود که تنابنده در مراسم آغاز سریال «ابله» که همزمان با اختتامیه سریال «شاه‌گوش» برگزار شد، درباره گرمش در «شاه‌گوش» صحبت کرد و گفت: «جا دارد دستان آقای اسکندری را به‌عنوان طراح گرم، با کار خوبی که در گرم «شاه‌گوش» ارایه داد، ببوسم. همچنین به آقای تبریزی تبریک می‌گویم و امیدوارم کارهای ویژه و خوبی برای شبکه نمایش خانگی ارایه دهد.»

تنابنده یکی از نقش‌های متفاوت سریال«ابله» را برعهده دارد. او تاکید بسیاری بر ایفای نقش پیزن قسه داشته و البته توجه ویژه مخاطبان را نیز به خود جلب کرده. باید دید در قسمت‌های بعدی سریال نظر مردم نسبت به حضور او چه خواهد بود؟

بعد از صرف ناهار، کمال تبریزی به اتاقش در طبقه دوم ساختمان می‌رود؛ اتاقی که میز و صندلی کوچکی در آن قرار گرفته و پنجره‌هایش رو به حیاط باز می‌شود و می‌خواهد که درباره سکانس بعد کمی فکر کند.

در سکانس بعد مجید صالحی، شبنم مقدمی، بهنام تشکر، احمد مهرانفر، عیسی یوسفی‌پور و هوتن شکبیا بازی دارند. دیدن بازیگرانی که هرکدام سابقه بازیگری دارند و در حوزه طنز مخاطبان زیادی را با خود همراه کرده‌اند در شمایل‌ی جدید و مقابل دوربین کارگردانی که اساساً شخصیت‌پردازِی‌های متفاوتی را در کارهایش می‌بینیم جالب است. تبریزی نیز به توانمندی بازیگرانش اعتقاد دارد و از آن مهم‌تر متنی که با اتکا به آن پیش می‌رود و این متن می‌تواند شخصیت‌های متفاوتی را به مخاطبان نشان بدهد.

بهنام تشکر با عصایی در دست و لباس راحتی راه‌راه سفید و مشکی به سمت اتاق گرم می‌رود. گرم پیرمرد، از «تشکر» چهره‌ای جدید ساخته است. راه که می‌رود همه را پسرمر و دخترمر صدا می‌کند، انگار که حقیقتاً با گرم و نقش ارتباطی نزدیک برقرار کرده است.

در فاصله آماده‌شدن صحنه با هوتن شکبیا که نقشی جالبی را در «طبقه

بهناز شیربانی	
کمال تبریزی خوش‌مشرب است و طنز؛ این را می‌توان از معاشرت با او متوجه شد و شاید به همین دلیل است که ساخته‌هایش معمولاً به طنز، آن هم «طنز موقعیت» اتکا دارد. در روزهای سرد دی، تبریزی بعد از تولید چند قسمت از سریال «ابله» نخستین قسمت آن را عرضه کرد و حالا منتظر بازخورد مخاطبانش است. تولید سریال در لوکیشنی زیبا در منطقه دروس تهران ادامه دارد.	

ماشین مقابل در فلزی سفیدرنگی توقف می‌کند و این‌دقیقا همان خانه زیبایی است که اکثر لوکیشن‌های داخلی سریال در آنجا ضبط می‌شود. هیچ صدایی شنیده نمی‌شود، ناگهان در باز می‌شود؛ بهران احمدی، سیامک انصاری و بهادر مالکی که بیشتر با صدایش در شخصیت عروسکی «فایل دور» خاطره داریم، به خیابان می‌آیند. سیامک انصاری با موهای مجعد، صورت زخمی، سیبیل‌های پرپشت و لباس‌هایی که از او یک آدم بزن‌بهادر ساخته توجه را جلب می‌کند و مهران احمدی، با گرمی جالب، کلاهی بر سر با صورتی که انگار کتکی مفصل خورده، پالتوی قهوه‌ای رنگی بر تن و البته کیفی در دست. بهادر مالکی هم کلاه‌کاسکتی بر سر دارد و ظاهراً راننده موتور

است که مهران احمدی، «هوشک» قصه را به مقصد می‌رساند. اما داستان «ابله» هم در نوع خود جالب‌توجه است. علیرضا طالب‌زاده (نویسنده) شخصیت محوری قصه‌اش را فیلمنامه‌نویسی انتخاب کرده که عاشق نگارش سریال‌های پلیسی است اما نمی‌داند شغل شخصیت اصلی فیلمنامه‌اش چه باشد. این، چالشی بزرگ برای او است. شوخی با اهالی سینما در حال حاضر شاید مطمئن‌ترین راهی است که می‌توان در پیش گرفت تا احیاناً به کسی برخورد و تبریزی این کار را انجام داده. او در قسمت اول مجموعه خودش در نقش کارگردان حاضر شد و بازی کرد که در نوع خود جالب‌توجه بود.

وارد حیاط می‌می‌شویم و جمع بر تعداد عوامل پشت‌صحنه توجهمان را جلب می‌کند. مقابل در ورودی تشک‌هایی روی هم چیده شده است و سیامک انصاری با دقت به زاویه قرارگرفتن تشک‌ها نگاه می‌کند. ما هم پشت مانیتور و کنار کمال تبریزی می‌ایستیم تا دلیل پهن‌شدن این تشک‌ها و پلانی را که قرار است اجرا شود ببینیم.

تبریزی خوشامدم می‌گوید و با جمال سیدحاتمی که کارگردانی قسمت دوم مجموعه را برعهده دارد درباره چند موضوع مشورت می‌کند. بالاخره ضبط پلان آغاز می‌شود، محمدرضا سکوت پشت دوربین و عباس رستگاریور آماده برای ضبط صداست. با شمارش تبریزی، ضبط پلان آغاز می‌شود. در به‌ناگاه باز حضورش در شبکه نمایش خانگی است؛ کارگردانی که معمولاً ساخته‌هایش احمدی و بهادر مالکی، مهران احمدی (هوشک)، این ععلق شد... کله‌معلق شد انگار...

با کات‌دادن تبریزی، همه می‌خندند؛ خصوصاً بازیگرانی که حتی تکرار‌ها و تمرین‌ها جذابیت این پلان را برایشان کمربن نکرده. تبریزی حس خوبی به این پلان دارد، راضی است و ترجیح می‌دهد سکانس بعدی را بعد از ناهار ادامه دهند.

«کنجکاو و انجام یک تجربه جدید، یکی از دلایل حضور در شبکه نمایش خانگی بود و شاید اتفاقی است که یک‌بار در کارنامه‌ام رخ بدهد و اینکه بعدها چه خواهد شد را نمی‌دانم و اتفاق دوم برای بودنم در این مدیوم، حواشی و اتفاقات حاصل از توقف پخش سریال «سرزمین‌کهن» در تلویزیون بود که من را به این سمت‌وسو هدایت کرد.» اینها بخشی از صحبت‌های تبریزی درباره برای ضبط صداست. با شمارش تبریزی، ضبط پلان آغاز می‌شود. در به‌ناگاه باز حضورش در شبکه نمایش خانگی است؛ کارگردانی که معمولاً ساخته‌هایش با اقبال عمومی مواجه می‌شود و البته از تیغ تیز ممیزی در امان نمی‌ماند. سیامک انصاری از جمله بازیگرانی است که شاید بیش از بازیگران دیگر مدیوم شبکه نمایش خانگی را تجربه کرده و بیشتر در آثار مهران مدبری حضور داشته است. انصاری می‌گوید معیار انتخابش معمولاً این است که با کارگردان احساس راحتی و صمیمیت کند و اینکه چقدر از زمان او را می‌گیرد و بعد بُعد مالی کار برایش اهمیت دارد.

او درباره تفاوت نقشش در این سریال نیز می‌گوید: «برای خودم یک تجربه جدید است، اینکه از فرم آنکاردکرده، پاپیون- کراواتی در کارهای مهران مدبری خارج و وارد فضای دیگری شدم. اصولاً همیشه فضای کارهای مهران مدبری را دوست دارم و مدتی با آن روال پیش رفتم و شاید مردم هم از این تغییر و تفاوتی که از من در این سریال می‌بینند فالگیر شوند.» انصاری می‌گوید قرار بوده نقش دیگری در این سریال ایفا کند، اما به‌دلیل همزمان‌شدن آن با تصویربرداری «اتاق عمل» این اتفاق نیفتاده. او از فیلمنامه خوب «ابله» می‌گوید: «فیلمنامه اولیه بسیار شاخص و درخشان بود. اما بحثی که من داشتم این بود که مخاطب شبکه نمایش خانگی شاید اینقدر پیچیدگی را دوست نداشته باشد. مخاطب به‌دنبال داستانی ساده و خنده‌دار است و اینکه لحظاتش با شادی سپری شود، چراکه در شبکه نمایش خانگی برای دیدن سریال هزینه می‌کنند و باید به نظر آنها احترام گذاشت و این مدیوم با تلویزیون تفاوت بسیاری دارد و پیشنهادم برای متن این‌کار این بود که کمی ساده‌تر شود. به‌هیچ‌وجه قصد دخالت در کار کسی را نداشتم اما احساس